

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقوق جزای عمومی

ویژه داوطلبان آزمونهای ورودی

کارشناسی ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت

سردفتری، مشاوران حقوقی

مؤلف: صدیقه گلستان رو

دکترای فقه جزایی



حقوق جزای عمومی – صدیقه گلستان رو

صفحه آرا: رضیه درستی مطلق
طراح جلد: مریم مظفری

آدرس : شیراز- پارامونت، ابتدای خ قصردشت، موسسه آموزش عالی فاضل

تلفن : ۰۷۱۳۲۳۰۴۰۱۴ - ۰۷۱۳۲۳۴۳۲۳۴

دانشجوی گرامی

حضور در کلاس‌های موسسه فاضل به دلیل حل مسائل متنوع، ارتباط زنده و دو طرفه بین دانشجو و استاد، قرار گرفتن در جو کنکور، ایجاد انگیزه رقابت، رفع اشکالات دانشجو و آزمون‌های کلاسی که ضمن آن از میزان آمادگی خود مطلع می‌شوید انتخابی است که نمی‌توان آنرا با مطالعه یک یا چند کتاب مقایسه کرد.

شرکت در کنکورهای هماهنگ کشوری موسسه فاضل به شما این امکان را می‌دهد که جایگاه واقعی خود را در رتبه بندی کشوری بیابید چرا که علاج واقعه قبل از وقوع بیلید کرد.

آنچه مورد نیاز هر دانشجو و داوطلب آزمونهای حقوقی است، کتابی است که مباحث را با بیانی ساده و روشن بیان کند به ویژه آنکه مطالب به صورت نموداری و شاخه بندی شده باشد. نگارش این کتاب با مطالعه منبع اصلی حقوق جزای عمومی دکتر محمدعلی اردبیلی و مبنا قرار دادن آن، صورت گرفته است. همچنین جزوه درسی اساتید فعلی و سابق موسسه آموزش عالی آزاد فاضل و کتب کمک آموزشی موجود در بازار نیز به طور دقیق مطالعه شده و نکات مطرح در این کتاب و جزوات مورد توجه و نگارش قرار گرفته است. از سوی دیگر بیشترین تلاش به کار گرفته شده تا مطالب به صورت نموداری و قابل درک برای دانشجویان باشد. امید است هر شخصی که به خواندن این کتاب می پردازد نسبت به مطالب حقوق جزای عمومی تسلط کامل به دست آورد.

دکتر صدیقه گلستان رو

مدرس دانشگاه و موسسات آموزش عالی

فهرست مطالب

۱مقدمه حقوق جزا
۵بخش اول: مواد عمومی
۵فصل اول: تعاریف
۷مبحث اول - تفسیر قانون
۸مبحث دوم - ارکان تشکیل دهنده جرم
۱۳مبحث سوم - اقسام جرم
۲۲فصل دوم: قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان
۳۵فصل سوم: قلمرو اجرای قوانین جزایی در زمان
۴۱فصل چهارم: قانون بودن جرائم، مجازاتها و دادرسی کیفری
۴۳بخش دوم: مجازات ها
۴۳فصل اول: مجازات های اصلی
۴۶مبحث نخست - اقسام تعزیرات
۵۱مبحث دوم - مجازات اشخاص حقوقی
۶۲فصل دوم: مجازات تکمیلی و تبعی
۶۲مبحث نخست - مجازاتهای تکمیلی
۶۶مبحث دوم - مجازات تبعی
۶۹مبحث سوم - محکومیت مؤثر و غیرمؤثر کیفری
۷۴فصل سوم: نحوه تعیین و اعمال مجازات ها
۷۵مبحث نخست - شیوه اجرای مجازات حبس
۷۹مبحث دوم - شیوه اعمال مجازاتهای تکمیلی
۸۳فصل چهارم: تخفیف مجازات و معافیت از آن
۸۴مبحث نخست - سبب های تخفیف مجازات
۹۳مبحث دوم - سببهای معافیت از مجازات
۹۸فصل پنجم: تعویق صدور حکم
۹۸مبحث نخست - تعویق صدور حکم
۱۰۱مبحث دوم - اقسام تعویق صدور حکم
۱۰۶فصل ششم: تعلیق اجرای مجازات
۱۱۷فصل هفتم - نظام نیمه آزادی

.....	موسسه آموزش عالی آزاد فاضل.....
۱۱۹.....	فصل هشتم- نظام آزادی مشروط.....
۱۱۹.....	مبحث نخست، آزادی مشروط.....
۱۲۴.....	مبحث دوم- نظارت الکترونیک.....
۱۲۸.....	فصل نهم: مجازاتهای جایگزین حبس.....
۱۳۰.....	مبحث نخست- قلمرو جایگزین حبس.....
۱۳۱.....	مبحث دوم- اقسام جایگزین حبس.....
۱۳۲.....	مبحث سوم- ممنوعیت جایگزین حبس.....
۱۳۶.....	مبحث چهارم- دوره مراقبت.....
۱۳۷.....	مبحث پنجم- خدمات عمومی رایگان.....
۱۴۱.....	مبحث ششم- جزای نقدی روزانه.....
۱۴۶.....	فصل دهم: مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان.....
۱۵۹.....	فصل یازدهم: سقوط مجازاتها.....
۱۵۹.....	مبحث نخست: فوت محکوم علیه.....
۱۶۰.....	مبحث دوم- عفو.....
۱۶۸.....	مبحث سوم- نسخ قانون.....
۱۶۹.....	مبحث چهارم- گذشت شاکی.....
۱۸۰.....	مبحث پنجم- مرور زمان.....
۱۸۹.....	مبحث ششم- توبه.....
۱۹۴.....	مبحث هفتم- اعمال قاعده درأ.....
۱۹۵.....	بخش سوم: جرائم.....
۱۹۵.....	فصل اول: شروع به جرم.....
۱۹۷.....	مبحث نخست: شروع به جرم.....
۱۹۸.....	مبحث دوم- جرم محال.....
۱۹۹.....	مبحث سوم- جرم عقیم.....
۲۰۳.....	فصل دوم: شرکت در جرم.....
۲۱۲.....	فصل سوم: معاونت در جرم.....
۲۲۷.....	فصل چهارم: سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته.....
۲۳۱.....	فصل پنجم: تعدد جرم.....
۲۳۳.....	مبحث نخست- تعدد اعتباری (تعدد معنوی).....

.....حقوق جزا

۲۳۷مبحث دوم- تعدد واقعی
۲۴۷فصل ششم: تکرار جرم
۲۵۳بخش چهارم: شرایط و موانع مسئولیت کیفری
۲۵۳فصل اول: شرایط مسئولیت کیفری
۲۶۳فصل دوم: موانع مسئولیت کیفری
۲۹۴بخش پنجم: ادله اثبات در امور کیفری
۲۹۴فصل اول: مواد عمومی
۲۹۶فصل دوم: اقرار
۳۰۰فصل سوم: شهادت
۳۰۸فصل چهارم: سوگند
۳۱۱فصل پنجم: علم قاضی
۳۱۲فصل ششم: مسائل متفرقه
۳۱۳برای مطالعه بیشتر
۳۱۳مبحث نخست- توضیحی درباره اقدام تأمینی
۳۱۸مبحث دوم- بحثی درباره مجازات ها
۳۲۰مبحث سوم: استرداد مجرمین
۳۲۲فهرست منابع

مقدمه حقوق جزا

حقوق با توجه به مباحثی که در آن مطرح می شود به دو دسته تقسیم می شود:

- روابط بین اشخاص - روابط اشخاص و دولت متبوع	- روابط بین المللی (یک دولت با دول بیگانه یا با سازمانهای بین المللی) - روابط بین اتباع دولت ها یا یک دولت با اتباع بیگانه	- روابط بین المللی: بررسی و تحلیل قواعد و مقررات مربوط به
- دولت و مأموران دولتی با مردم - سازمان های دولتی		- بررسی قواعد مربوط به روابط
		- خصوصی: بررسی قواعد حاکم بر روابط افراد و رفتار آنهاست

پس حقوق جزا از شاخه های حقوق عمومی است چون بحث از جرم، مجرم، نقش او در پدیده مجرمانه، مسئولیت کیفری و واکنش جامعه در برابر پدیده مجرمانه است و مجازات، واکنشی از سوی دولت است. حقوق جزا به حقوق جزای داخلی و بین المللی تقسیم می شود که هر یک دارای بخش های گوناگونی است.

حقوق جزای داخلی ۳ بخش دارد:

- ۱- حقوق جزای عمومی: بررسی قواعد عام و مشترک جرایم (جرم، ارکان جرم، مسئولیت کیفری، شرایط و موانع آن، کیفیت تعیین مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی)
- ۲- حقوق جزای اختصاصی: بررسی خاص جرایم؛ توصیف پدیده مجرمانه و واکنش آن (بررسی ارکان هر جرم به طور جداگانه و واکنش قانون گذار در برابر آن و احکام خاص آن جرم)
- ۳- آیین دادرسی کیفری: بررسی قواعد و جنبه های اجرایی مربوط به کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، تعقیب متهم و رسیدگی به امر کیفری و صدور حکم و اجرای مجازات و قوانین آن

حقوق کیفری از جنبه بین المللی:

- ۱- حقوق جزای بین الملل: درباره صلاحیت مراجع جزایی خارجی و اجرای قوانین جزای خارجی و اعتبار احکام جزایی صادره از آنها بحث می کند و درباره حقوق داخلی که دارای یک عنصر خارجی است، مانند؛ تابعیت، محل وقوع جرم، ارزش های مورد حمایت که منبع آن حقوق داخلی است.
- ۲- حقوق بین الملل کیفری: رسیدگی به جرایم بین المللی و بررسی مراجع صالح برای رسیدگی بوده و منبع آن کنوانسیون ها، قانون بین المللی است و در یک دادگاه بین المللی است.

حقوق جزا از رشته‌های حقوق داخلی است چون قواعد آن به مرزهای یک کشور محدود می‌شود و درباره روابط افراد در سرزمین واحد است. (ماده ۳ ق.م.ا) و با دیگر شاخه های حقوق در ارتباط است به این صورت که:

۱- **حقوق اساسی:** حقوق کیفری وظیفه پاسداری از حریم حقوق اساسی را دارد، ضامن اجرای آزادی های فردی و اجتماعی پیش بینی شده در قانون اساسی است همچنین حُسن اجرای تکالیف دولت در قبال مجرمان و ... است.

۲- **حقوق اداری:** تخطی از وظایف کارگزاران دولتی گاهی جنبه کیفری به خود می گیرد و حقوق کیفری محدوده تخطی را از حقوق اداری می گیرد.

۳- **بین الملل عمومی:** عاملان نقض اصول و مقررات بین المللی قابل مجازات در دادگاههای داخلی هستند، از سویی در صورت خروج مجرم، مسائل استرداد مجرمین، پلیس بین الملل و ... نقطه اتصال این دو رشته است.

۴- **حقوق کیفری و حقوق مدنی:** گاهی تخلف از تعهدات ضمانت اجرای کیفری دارد، مانند ترک انفاق و گاهی اثبات جرم باید از جنبه مدنی اثبات شود مانند اثبات مالکیت در سرقت.

۵- **حقوق تجارت:** قانون گذار برای تجار وظایفی تعیین کرده که تخلف از آن وصف کیفری دارد.

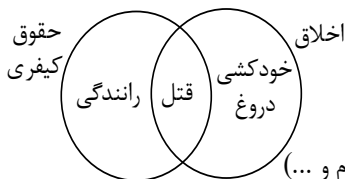
اما با وجود نقاط مشترک، حقوق کیفری استقلال دارد، زیرا:

۱- جرم ماهیتاً ضد اجتماعی است و محل نظم اجتماعی در نتیجه حتی گاهی با گذشت شاکی خصوصی تعقیب متوقف نمی شود.

۲- حقوق کیفری تابع اصول و قواعد خود است حتی در جرایم مربوط به ارزش های حقوق خصوصی

و...

۳- شخصیت اشخاص در دادرسی کیفری مهم اما در حقوقی مهم نیست.



۱- اخلاق: عموم و خصوص من وجه است.

قاعده اخلاقی که کیفری شود به ضمانت کیفری مجهز می شود.

(ضمانت اجرای اخلاق، امر درونی است اما در کیفری، زندان، اعدام و ...)

رابطه
حقوق
کیفری با

۲- فلسفه: در فلسفه جزا درباره حق مجازات و منشأ آن بحث می شود که موضوعات حقوقی در قلمرو

تفکرات فلسفی قرار می گیرد.

- الهی

- اجتماعی

- یا انتقام است

مانند اینکه منشأ مجازات

حقوق جزا دارای اهداف و ویژگی هایی به شرح زیر است:

- اهداف عام
- ۱- حفظ نظم عمومی و امنیت در جامعه
 - ۲- حفظ حدود آزادی افراد
 - ۳- اصلاح فرد بزهکار

- اهداف خاص
- ۴- پیشگیری
 - خاص یا فردی از تکرار جرم و ارتکاب توسط مجرم
 - عام یا اجتماعی، دیگر اشخاص مرتکب نشوند

ویژگی حقوق جزا:

- ۱- الزامی بودن قواعد آن (آمره است و توافقی نیست)
- ۲- داشتن ضمانت اجرای خاص (مجازات)
- ۳- کلی و عام بودن قواعد آن (همه افراد در برابر قواعد آن برابرند).
- ۴- سرزمینی و شخصی بودن آن (داخل سرزمین و مخصوص شخص مجرم است).

نکته مهم: منابع حقوق جزا به دو دسته تقسیم می شود:

- منابع حقوق جزا
- ۱- تقنینی: در مرحله قانون گذاری منبع هستند: کتاب، سنت، اجماع، عقل، عرف، ضرورت ها، مصالح ناشی از ارزشها
 - ۲- قضایی: در مرحله دادرسی مورد استفاده هستند که به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می شوند.

- منابع حقوق کیفری قضایی
- ۱- منابع صوری الزامی یا مستقیم یا اصلی که معتبر و قابل استناد دادگاه ها هستند.
 - ۲- منابع فرعی یا ارشادی یا تکمیلی یا غیر مستقیم یا استنباطی

۱- منابع صوری الزامی یا مستقیم یا اصلی که معتبر و قابل استناد دادگاه ها هستند.

- | | |
|---|-----------------|
| <p>۱- مصوبات مجلس که طبق تشریفات ق.ا تصویب شده است.</p> <p>۲- مصوبات مجلس شورای ملی (مانند قانون شکار و صید)</p> <p>۳- لوایح شورای انقلاب (مانند عفو عمومی)</p> <p>۴- مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام</p> <p>(مانند قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس کلاهبرداری ...)</p> <p>۵- مصوبات کمیسیون های مجلس</p> <p>(آزمایشی اجرا شده و سپس به تصویب مجلس می رسد مانند ق.م.ا)</p> | <p>۱- قانون</p> |
|---|-----------------|
- ۲- آیین نامه های اجرایی قوه مجریه، توسط هیئت وزیران برای سهولت اجرای قوانین با اطلاع رئیس مجلس تصویب می شود.
- ۳- آرای وحدت رویه یا رویه قضایی در معنای خاص که دیوان عالی کشور حکم می دهد و طبق ماده ۴۷۱ ق.ا.د.ک حکم قانون دارد و لازم الاتباع است.
- ۴- معاهدات بین المللی با تصویب مجلس طبق اصل ۷۷ ق.ا و ماده ۹ ق.م قانون است.
- | | |
|--|--|
| <p>۵- منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر ← طبق اصل ۱۶۷ و ماده ۲۲۰ ق.م.ا</p> | <p>۲- درباره حدودی که در قانون نیست.</p> <p>۳- تعزیرات منصوص شرعی.</p> |
|--|--|

۲- منابع فرعی یا ارشادی یا تکمیلی یا غیرمستقیم یا استنباطی

- ۱- دکترین یا نظریات علمای حقوق نقش تفسیری دارد و استنباطی است.
- ۲- عرف و عادت: عاداتی که بین مردم به شکل قاعده الزامی شده است. بر مبنای ضرورت های اجتماعی مثلا برای تشخیص ماهیت مجرمانه که تعریف در قانون ندارد مانند فحشا، منافی عفت، حرز و تأدیب
- ۳- رویه قضایی به معنای عام، آرای صادره دادگاه ها و یا شعب دیوان عالی کشور (عرف دادگاه ها)

بخش اول: مواد عمومی

فصل اول: تعاریف

ماده ۱- موارد شمول قانون مجازات اسلامی:

۱- جرائم و مجازات ها

مجازات های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات

۲- اقدامات تأمینی و تربیتی که جنبه این اقدامات از مجازات خفیف تر و با جنبه اصلاحی و تربیتی و بازسازی هستند.

(در مواد ۸۸ تا ۹۵ ق.م.ا درباره اطفال و نوجوانان و در ماده ۱۵۰ درباره مجانین)

۳- شرایط مسئولیت کیفری: طبق ماده ۱۴۰ ق.م.ا: عقل، بلوغ و اختیار (مجموعه شرایط برای استحقاق مجازات)

۴- موانع مسئولیت کیفری: گاهی مرتکب با اینکه رفتاری انجام داده که طبق قانون جرم است، گاهی به تصریح قانون گذار قابل مجازات نیست.

۵- قواعد حاکم بر جرائم و مجازات ها و اقدامات تأمینی و قواعد حاکم بر چگونگی مسئولیت کیفری.

(همان قواعد عام و مشترک که به تعریف و تبیین جرم، وصف مجرمانه و علل تشدید یا تخفیف مجازات و مسئولیت جزایی می پردازد.)

۱- جرائم و مجازات ها

- چه رفتاری جرم است و مشمول چه عنوان مجرمانه ای است.
- براساس قانون چه مجازاتی برای هر جرم مقرر می شود.

۲- اقدامات تأمینی و تربیتی که جنبه این اقدامات از مجازات خفیف تر و با جنبه اصلاحی و تربیتی و بازسازی هستند.

- حمایتی
- تربیتی
- درمانی
- مراقبتی
- بازدارنده

ماده ۲- تعریف جرم: هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می شود.

ماده ۲ بیانگر «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» است یعنی اینکه هیچ عملی جرم نیست مگر به موجب قانون و هیچ مجازاتی اجرا نمی شود مگر به موجب قانون.

نکته: طبق ماده ۱۸ آیین نامه دادرسی و دادگاههای ویژه روحانیت؛ هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قوانین موضوعه یا احکام شرعیه قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، جرم محسوب می شود. بنابراین تعریف جرم در آن با قانون فرق دارد.

پس جرم هر رفتاری اعم از فعل (مثبت) یا ترک فعل (منفی) که در قانون (قانون عام یا خاص فقط منظور قانون مجازات اسلامی نیست.) مجازات تعیین شده دارد (دقت کنید که اقدامات تأمینی و تربیتی را بیان نکرده است).

مبانی توجیه کننده اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها

۱- آیات قرآن کریم

- «ماکنا معذبین حتی نبعث رسولاً»: تا رسول نفرستیم (حکم ندهیم) عذاب نمی کنیم.
- «لا یكلف الله نفسا إلا ما آتیها»: خداوند متعال کسی را مکلف نمی کند مگر آنچه به او داده است (احکام)
- ۲- سنت: حدیث رفع: از امت من نه چیز برداشته شد ... آنچه نمی دانند...
- ۳- قاعده قبح عقاب بلا بیان: مجازات بدون بیان قبیح و ناپسند است.
- ۴- اصل برائت: فرض بر بیگناهی اشخاص است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.
- ۵- اصل اباحه: هرگاه شک کردیم عملی جرم یا گناه است، اصل بر این است که جرم نیست.
- ۶- اصول ۲۲، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۱۶۶ و ۱۶۹ قانون اساسی که همگی در مسیر ماده ۲ ق.م.ا هستند.
- ۷- اصل تفکیک قوا، لزوم اجرای عدالت از طریق برابری افراد در برابر قانون، حفظ حقوق و آزادی افراد و جلوگیری از تجاوز کارگزاران حکومتی، جلوگیری از تشتت آرای محاکم، جلوگیری از استبداد قضات، پیشگیری از وقوع جرم که مجرم سود و زیان را بامحاسبه جرم و مجازات در نظر بگیرد.
- ۸- اعلامیه جهانی حقوق بشر
- ۹- اعلامیه حقوق بشر فرانسه

نکته: اصل قانونی بودن جرم و مجازات از دو جنبه قابل توجه است:

- ۱- جنبه ماهوی اصل قانونی بودن: هیچ رفتاری جرم نیست مگر اینکه به موجب قانون پیش از ارتکاب عمل، جرم انگاری شده باشد و هیچ مجازاتی اعمال نمی شود مگر اینکه طبق قانون، مجازات آن تعیین شده باشد.
- ۲- جنبه شکلی اصل قانون بودن: دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد یعنی صدور حکم و اجرای آن نیز باید طبق قانون و مستند به شرایط و کیفیات مقرر قانونی باشد. (ماده ۲ آ.د.ک)

نتایج اصل قانونی بودن جرم و مجازات

- ۱- عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی ← اصل ۱۶۹ ق.ا و مواد ۱۱ و ۱۰ ق.م.ا
- ۱- تبرئه در حال شک
- ۲- تفسیر مضیق و محدود قوانین جزایی ←
- ۲- منع دلیل تراشی به وسیله قیاس

مبحث اول - تفسیر قانون:

یعنی زدودن ابهام و اجمال از متن قانون و روشن کردن مقصود قانون گذار است از طریق قواعد و مقررات ادبی یا منطقی یا با سوابق تاریخی.

موارد مبهم مانند تشویش اذهان عمومی، عمل منافی عفت، اعمال منجر به نقض استقلال کشور، اموال تاریخی - فرهنگی، آلات مخصوص قمار (مفهوم این کلمات مشخص نشده و ابهام دارد).

تفسیر از جهات گوناگون تقسیماتی دارد به این صورت که:

- | | |
|---|---|
| ۱- تفسیر قانونی: دو دسته است: | ۱- تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. |
| | ۲- تفسیر قانون اساسی در صلاحیت شورای نگهبان است. |
| ویژگی تفسیر قانونی: مهم ترین نوع تفسیر است و عطف بماسبق می شود. | |
| ۲- تفسیر قضایی: تفسیر مقام قضایی | ۱- اگر قاضی به بهانه اجمال قانون حکم ندهد ← مستنکف از احقاق حق است. |
| در مقام تمیز حق و صدور حکم است: | ۲- طبق ماده ۵۹۷ تعزیرات به انفصال از شغل قضا و تأدیه خسارت به اشخاص محکوم می شود. |
| | ۳- منشأ شک قاضی سکوت یا اجمال قانون یعنی شبهه حکمیه است. |
| ۳- تفسیر شخصی: تفسیر توسط دکترین و حقوقدانان | |

نکته: تفسیر در جایی است که:

- ۱- مفهوم قانون روشن نباشد.
- ۲- مفهوم قانون روشن است اما در سعه و ضیق مدلول آن تردید است یعنی در قلمرو آن شک داریم.

اقسام تفسیر به اعتبار ماهیت تفسیر:

- | |
|---|
| ۱- تفسیر منطقی، توضیحی یا غایی: احراز نظر مقنن که منظور قانون گذار چیست. |
| ۲- تفسیر مضیق، محدود، ادبی، لفظی یا منطوقی: تفسیر طبق لفظ قانون که دقیقاً معنای لفظ چیست برای حفاظت از اصل قانونی بودن جرم و مجازات |
| ۳- تفسیر موسع: در قوانین جزایی ممنوع است. |
| ۴- تفسیر از طریق قیاس: در قوانین جزایی ممنوع است مگر در قیاس منصوص العله (برخی معتقدند در موارد تفسیر به نفع متهم قیاس ممکن می شود مانند عوامل موجهه) |

بخش دوم: مجازات ها

فصل اول: مجازات های اصلی

مجازات و اجرای آن بر طبق اصل ۳۶ ق.ا باید از طریق دادگاه صالح به موجب قانون باشد.

ماده ۱۴ ق.م.ا: «مجازات های مقرر در این قانون چهار قسم است: الف) حد، ب) قصاص، پ) دیات، ت) تعزیر. تبصره: چنانچه رابطه علیت بین شخص حقوقی و خسارت وارد شده، احراز شود دیه و خسارت، قابل مطالبه خواهد بود، اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده (۲۰) خواهد بود.»

۱- حد	اقسام مجازات در قانون مجازات اسلامی
۲- قصاص	
۳- دیه	
۴- تعزیر	

۱- حد: ماده ۱۵: «حد مجازاتی است که نوع و میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است.» این تعریف در برابر تعزیر است. (قاضی حق کم یا زیاد کردن، تبدیل و اسقاط حد را ندارد.)

حد

جرائم موجب حد ← زنا، لواط، تفخیز، مساحقه، قوادی، قذف، سب النبی، مصرف مسکر، محاربه، افساد فی الارض، بغی، سرقت حدی.

مجازات حدی ← اعدام (رجم، صلب) شلاق، قطع عضو، حبس ابد، نفی بلد یا تبعید.

نکته

مباشرت در جرایم حدی ← مستوجب حد است.

معاونت یا شروع به این جرایم ← مستوجب تعزیر است.

۲- قصاص: ماده ۱۶ ق.م.ا: «قصاص، مجازات اصلی جنایت عمومی بر نفس، اعضا و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می شود.»

قصاص حقی است که به مجنی علیه و اولیای دم او تعلق می گیرد

۱- فقط در جنایات بر نفس، عضو و منفعت قابل استیفا است.

۲- تنها می توان آن را در جنایات عمدی مطالبه کرد.

۳- صاحبان حق می توانند به جای قصاص که مجازات اصلی است به بدل یعنی دیه رضایت دهند.

منظور از جنایت: جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص مانند قتل، ضرب و جرح و ... است. با توجه به شیوه جنایت، مجازات فرق دارد:

<p>بدل اجباری: شرایط قصاص نباشد مانند قتل فرزند توسط پدر</p> <p>- بدل اختیاری: گذشت صاحب حق قصاص از قصاص</p>	<p>مجازات اصلی: قصاص</p> <p>- مجازات بدلی: دیه و تعزیر</p>	<p>عمدی</p> <p>جنایت</p>
<p>- شبه عمد: دیه و تعزیر و دیه را مرتکب می دهد.</p> <p>- خطای محض: فقط دیه که عاقله پرداخت می کند.</p>		<p>غیر عمدی</p>

۳- دیه: ماده ۱۷: «دیه اعم از مقدر و غیر مقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می شود.»

<p>مقدر: «... مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است.» (ماده ۴۴۸ ق.م.ا)</p> <p>- غیر مقدر: مالی را که به عوض جنایت بر عضو می پردازند و مقدار آن در شرع معین نشده است، ارش یا حکومت می نامند. (ماده ۴۴۹ ق.م.ا)</p>	<p>دیه</p>
---	------------

۴- تعزیر:

ماده ۱۸: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می دهد:

الف) انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب) شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن

پ) اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت) سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی»

تعزیر دارای چند ویژگی است که عبارتند از:

۱- از نوع حد، قصاص یا دیه نیست.

۲- در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی اعمال می شود.

۳- در صدور حکم تعزیری برخلاف، حد، قصاص و دیه، افزون بر جرم توجه دادگاه به وضع و حال مجرم نیز لازم است.

۱- درباره ارتکاب محرمات شرعی ← رفتارهایی که حرمت شرعی دارد و در زمان شارع اختیار تعزیر آن در دست حاکم بوده است.

۲- نقض مقررات حکومتی ← جرایمی مانند تخلف از مقررات رانندگی، شهرسازی و محیط زیست که در زمان شارع وجود نداشته و به لحاظ حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماعی در این زمان طبق قوانین حکومتی وضع شده است ← ضمانت اجرای آنها کیفرهایی است که تعزیرات حکومتی نام دارد.

نکته: تعزیر در این ماده کاربرد دو گانه دارد

نکته: محرمات شرعی که کیفرهای تعزیری آن در شرع معین گردیده ← تعزیرات منصوص شرعی نامیده می‌شود.

۱- تعزیرات حکومتی ← که شرعی نیست و از جانب حکومت مشخص می‌شود

منصوص شرعی: در شرع میزان و نوع آن مشخص

شده
مانند مجازات] - دو مرد
عریان که شلاق ۳۱ تا ۷۴
اجتماع] - دو زن
ضربه مشخص شده
غیرمنصوص شرعی: در شرع، قابل تعزیر اعلام شده
اما میزان و نوع مجازات آن مشخص نشده است.

۲- تعزیرات شرعی

اقسام تعزیرات

نکته: مرتکب جرایمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده الزاما به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌شوند.

طبق ماده ۲ قانون کاهش:

یک تبصره به شرح زیر به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ الحاق می‌شود:
تبصره الحاقی جدید:

«چنانچه دادگاه در حکم صادره، مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند و عدم رعایت مفاد این تبصره، موجب مجازات انتظامی درجه چهار است.»

۲- درجه بندی تعزیرات

مبحث نخست- اقسام تعزیرات: ماده ۱۹

- ۱- درجه ۱:
- حبس بیش از بیست و پنج سال ← بیش از ۲۵ سال
 - جزای نقدی بیش از یک میلیارد ریال (۱ / ۰۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰)
 - مصادره کل اموال
 - انحلال شخص حقوقی
- ۲- درجه ۲:
- حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال ← ۱۵ تا ۲۵ سال
 - جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون ریال (۵۵۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰) تا یک میلیارد ریال (۱ / ۰۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰)
- ۳- درجه ۳:
- حبس بیش از ده تا پانزده سال ← ۱۰ تا ۱۵ سال
 - جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون (۳۶۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰) ریال تا پانصد و پنجاه میلیون ریال (۵۵۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰)
- ۴- درجه ۴:
- حبس بیش از پنج تا ده سال ← ۵ تا ۱۰ سال
 - جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون ریال (۱۸۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰) تا سیصد و شصت میلیون ریال (۳۶۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰)
 - انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی
- ۵- درجه ۵:
- حبس بیش از دو یا پنج سال ← ۲ تا ۵ سال
 - جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون ریال (۸۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰) تا یکصد و هشتاد میلیون ریال (۱۸۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰)
 - محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال
 - ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی
 - ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی

- حبس بیش از شش ماه تا دو سال ← ۶ ماه تا ۲ سال
- جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون ریال (۸۰/۰۰۰ /۰۰۰)
- شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نود و نه ضربه در جرائم منافی عفت
- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال
- انتشار حکم قطعی در رسانه ها
- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
- ممنوعیت از اصدار برخی اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

۶- درجه ۶:

- حبس از نود و یک روز تا شش ماه ← ۹۱ تا ۶ ماه
- جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون ریال (۲۰/۰۰۰/۰۰۰)
- شلاق از یازده تا سی ضربه
- محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه

۷- درجه ۷:

- حبس تا سه ماه ← تا ۳ ماه
- جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
- شلاق تا ده ضربه

۸- درجه ۸:

تبصره ۱: موارد محرومیت از حقوق اجتماعی همان است که در مجازات‌های تبعی ذکر شده است. (ماده ۲۶)

برای تعیین درجه مجازات جرم ارتكابی باید به این صورت عمل کرد:

تبصره ۲: مجازاتی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد،

از درجه بالاتر محسوب می شود ← ملاک برای تعیین درجه مجازات، حداکثر مجازات است.

مانند مجازات کلاهبرداری یک تا هفت سال حبس است ← عدد ۷ درجه ۴ است که حبس بین ۵ تا

۱۰ سال است.

مبحث دوم - مجازات اشخاص حقوقی:

شخص حقوقی در برابر شخص حقیقی قرار دارد و به طور معمول، مجموعه‌ای از افراد انسانی است (شخص حقیقی) که به منظور نیل به هدف مشترک با یکدیگر همکاری و اشتراک مساعی می‌نمایند، مانند انجمن‌ها و مؤسسات که نحوه تشکیل آنها توسط قانون پیش‌بینی شده و برای آن حقوق، تکالیف و مسئولیت‌های قانونی نیز لحاظ شده است.

ماده ۲۰: در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده ۱۴۳ این قانون مسئول شناخته می‌شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیانبار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

الف) انحلال شخص حقوقی

ب) مصادره کل اموال

پ) ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی و یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ت) ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ث) ممنوعیت از اصدار برخی اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال
ج) جزای نقدی

چ) انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها

مجازات شخص
حقوقی

تبصره: مجازات موضوع این ماده در مورد اشخاص حقوقی دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند - و یا عمومی غیردولتی اعمال نمی‌شود.

نکته مهم ⇐ - مجازات‌های قابل اعمال بر شخص حقوقی محدود است به هفت نوع - شخص حقوقی یا حقیقی با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیانبار آن ← حداکثر به دو نوع مجازات محکوم می‌شود.

- اشخاص طبیعی: شخص دارای اختیار و اراده که اهلیت دارا شدن حق یا التزام به تکلیفی را داشته باشد.

- شخصیت عبارت از قابلیت و اهلیت داشتن یا دارا شدن حقوق و تکالیف و اجرای آن

- اشخاص حقوقی: گروهها، جمعیت ها و انجمن هایی است با حقوق و تکالیف مشترک و متمایز از حقوق و تکالیف افرادی که آنها را تشکیل داده اند.

بزهکار

- جرایم تعزیری: که مستوجب مجازات تعزیری درجه ۱ و ۵ و ۶ است.

- دیه: طبق تبصره ماده ۱۴: «چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده، احراز شود دیه و خسارت، قابل مطالبه خواهد بود. اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده ۲۰ خواهد بود»

جرم شخصی حقوقی

شرایط تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی:

ماده ۱۴۳: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت کیفری شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.»

- ماده ۱۴۳ میان شخص حقوقی خارجی و ایرانی تمایز قرار نداده ← اما پیش شرط مسئولیت کیفری شخص حقوقی آن است که قانون، این اشخاص را به عنوان کانون، بنیاد، انجمن، اتحادیه، حزب، شرکت یا هر تشکل مشابهی که با هدف انتفاعی یا غیرانتفاعی طبق قوانین در ایران تأسیس شود.

- اشخاص حقوقی خصوصی ← مهمترین اشخاص حقوقی حقوق خصوصی که دارای فعالیت انتفاعی هستند، شرکت های تجاری هستند و مؤسسات غیرتجاری هم ممکن است انتفاعی و غیرانتفاعی باشند.

در باب مسئولیت شخص حقوقی

- خود دولت

- شخص حقوقی

- اشخاص حقوقی عمومی ←
- و نهادهای عمومی که عموماً برای برآوردن حوائج مردم مانند تأمین آب، برق، خطوط راه آهن و مترو تشکیل شده اند.

طبق تبصره ماده ۲۰ اشخاص حقوقی حقوق عمومی دولتی و غیردولتی از مجازات مقرر در این ماده معاف هستند البته در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند مانند «سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی» در نتیجه در مواردی که به کار تصدی‌گری مشغول هستند مانند تصدی امور صنعتی، کشاورزی، حمل و نقل و به طور کلی امور اقتصادی در صورت اجتماع شروط و از جمله رفتار موجد مسئولیت هستند ← کارهای قابل واگذاری، به بخش خصوصی، قابل مجازات هستند.

۱- مؤسسه دولتی: واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون، ایجاد شده یا می‌شود و با داشتن استقلال حقوقی، بخشی از وظایف و اموری را که به عهده یکی از قوای سه‌گانه و سایر مراجع قانونی می‌باشد، انجام می‌دهد.
کلیه سازمان‌هایی که در قانون اساسی نام برده شده است در حکم مؤسسه دولتی شناخته می‌شود.

۲- مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی: واحد سازمانی مشخص با استقلال حقوقی که با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد می‌شود و بیش از ۵۰ درصد بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین گردد و عهده دار وظایف و خدمات عمومی است.

**طبق ماده ۲
قانون مدیریت
خدمات کشوری**

فصل سوم: معاونت در جرم

ماده ۱۲۶: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند:

الف- هر کس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

ب- هر کس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

پ- هر کس وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره- برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی

جرم، جرمی شدید از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف تر محکوم می‌شود.»

تعریف معاونت: کسانی که فقط به مباشر و شرکای جرم در تدارک و یا ارتکاب جرم کمک رسانیده و نقشی تبعی و فرعی داشته‌اند معاونان جرم محسوب می‌شوند.

پس معاونت در جرم یعنی:

- ترغیب یا تهدید یا تطمیع و یا تحریک به ارتکاب جرم و یا ساختن یا تهیه وسایل و یا ارائه طریق و یا

تسهیل وقوع آن به هر نحو خصوصا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت

- معاون جرم کسی است که بدون آنکه شخصا به اجرای جرم منتسب به مباشر بپردازد با رفتار خود عامدا وقوع جرم را تسهیل کند و یا مباشر را به ارتکاب آن برانگیزد.

۱- عنصر مادی معاونت:

رکن مادی معاونت در ماده ۱۲۶ بیان شده و معاونت با یکی از افعالی که در این ماده تصریح شده، رخ

می‌دهد. طبق حکم شماره ۱۱۶۶-۲۵/۹/۴ دیوان عالی معاونت فقط با اموری که در آن ماده مندرج است،

محقق می‌شود و دادگاه باید مشخص کند که به کدامیک از عناوین نظر داشته است.

عنصر مادی معاونت به عناوین زیر واقع می‌شود:

۱- ترغیب: ایجاد میل و علاقه به دیگری در انجام دادن کاری، پس کسی که به هر شیوه‌ای دیگری را

به ارتکاب جرم ترغیب کند معاون است.

البته گاهی تشویق مستقلا جرم انگاری شده: در این موارد، مؤثر بودن تشویق و وقوع جرم شرط نیست

و صرف تشویق جرم است مانند:

]- به فساد یا فحشاء (بند ب ماده ۶۳۹ تعزیرات)

تشویق افراد:]- به الحاق به دشمنان یا محاربان و مفسدان (بند ج ماده ۲۱ ق مجازات جرایم نیروهای مسلح)

]- به جرایم علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج (ماده ۶ قانون مطبوعات بند ب)

۲- تهدید: وادار کردن دیگری به ارتکاب جرم به صورت ترساندن او از فعل یا ترک فعل مورد نظر.

(مانند اگر کلاهبرداری نکنی خودروی تو را منفجر می‌کنم) نیز صورت دیگری از معاونت در جرم است.

نکات مهمی درباره جرم تهدید است که باید به آن توجه نمود:

۱- عاداتا قابل تحمل]- در حدود و قصاص (احکام خاص)

نیباشد، اکراه است.]- مکره: مسئول و فاعل مستقل
مانند تهدید به آسیب]- در تعزیرات
جانی خویشان یا ناموس]- مکره: مسئولیت کیفری ندارد.

- حالات
تهدید:

۲- عاداتا قابل تحمل باشد ← اکراه نیست و تهدید موجب معاونت است.

مانند تهدید به خسارت مالی که قابل توجه نیست.

- گاهی تهدید جرم مستقل است مانند:

- کسانی که در امر انتخابات دیگران را تهدید می‌کنند (ماده ۲۷ بند ۳ قانون انتخابات)

- کسانی که با چاقو یا هر اسلحه ای دیگران را تهدید می‌کنند (ماده ۶۱۷ تعزیرات)

- کسانی که در کار فرودگاهها و یا مأموران مسئول حفظ ایمنی پرواز و هدایت هواپیما با تهدید اخلاص می‌کنند (بندهای ۱ و ۳ قانون اخلاص کنندگان در امنیت پرواز ...)

- تهدید دیگران به دادن نوشته یا سند و یا امضاء ملزم می‌نماید. (ماده ۶۶۸ تعزیرات)

- برای ارباب دیگران به هر نحو آنان را به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی به افشاء سری نسبت

به خود یا بستگان تهدید می‌کنند. (ماده ۶۶۹ تعزیرات) **تهدید جرم مستقل است.**

نکته مهم: اگر تهدید به اکراه نرسد، دو حالت دارد:

الف- اگر جرم اصلی ارتکاب پیدا نکند، فقط جرم تهدید ماده ۶۶۹ رخ می‌دهد.

ب- اگر جرم اصلی ارتکاب پیدا کند، تعدد معنوی رخ می‌دهد که شامل تهدید ماده ۶۶۹ و معاونت است.

۳- **تطمیع:** کسی با دادن وعده یا امتیاز مالی و یا قولی به تحصیل مقام و منزلت اجتماعی در ارتکاب

جرم راسخ کندمعاون جرم است. در تطمیع، انگیزه ارتکاب جرم همواره مالی و مادی است و مهم نیست

که معاون پیش از ارتکاب به وعده خود وفا کرده یا پس از وقوع جرم از قول خود برگشته باشد. زیرا،

تطمیع با قبول پیشکشی نیز مفهوم پیدا می‌کند. (مانند اگر ماشین دیگری را منفجر کنی تو را استخدام

می‌کنم)

- گاهی تطمیع جرم مستقل است**
- تطمیع برای خرید یا فروش آراء انتخابات رسمی کشور (بند ۳ ماده ۲۷ مجلس انتخابات)
 - تطمیع در امر انتخابات شهرداری ها (ماده ۸۸ قانون شهرداری)
 - که در آن تطمیع شوندگان هم شریک جرم هستند.

تحریرص مترادف تطمیع به معنی آز افکندن و به ولع آوردن، تحریرص و تشویق افراد گروهها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج (بند ۵ ماده ۶ ق. مطبوعات) مانند تحریک حس فزون خواهی

۴- **تحریرص:** به جرم، واداشتن دیگران به ارتکاب جرم به هر دستاویزی، خواه با مال، وعده، فریب و ... تقویت نیروی اراده ارتکاب به جرم مانند تهییج حس کینه و انتقام جویی موجب تحقق معاونت در جرم است. (اگر غیرت داری باید فلانی را بکشی)

- تحریرص**
- ۱- **باید مستقیم باشد** ← اندیشه ارتکاب جرم را بیان کند، مطالب دو پهلو که ذهن مباشر را به ارتکاب جرم خاص سوق نهد، تحریک به حساب نمی آید مانند: گردن فلانی برای زیر ساطور خوب است.
 - ۲- **باید فردی باشد** ← مخاطب باید شخص معلوم و مشخص باشد اگر کسی مثلا با انتشار مقاله در روزنامه، مردم را به غارت انبار محتکران تشویق می کند، هر چند فعل او ممکن است جرم مستقل باشد اما معاونت در نهب و غارب نیست، چون مخاطب معلوم ندارد.
 - ۳- **باید موثر باشد** ← تا زمانی که از تحریک، نتیجه ای به دست نیاید و در اثر تحریک، جرمی به وقوع نپیوندد یا شروع به اجرای آن نگردد، تحریک به عنوان معاونت معنی پیدا نمی کند.

رای دیوان: (۳۵۹۸-۱۹/۱۰/۳۰-۱۹/۱۰) اگر کسی دیگری را تحریک به ارتکاب جرمی کند اما از ناحیه تحریک شده عملی سر نزند، تحریک کننده مستوجب مجازات نیست به طور کلی معاون وقتی مستوجب مجازات است که فاعل اصلی مرتکب جرمی شود یا شروع به اجرای آن نماید. زنی به طفل ده ساله سم بدهد که به شوهر سابق او بخوراند ولی هیچ عملی از طفل سر نزند با اینکه عمل زن در معاونت تمام است اما چون جرمی از طفل سر نزده معاون نیز قابل مجازات نیست.»

- گاهی تحریک جرم مستقل است**
- تحریک به فرار از مقابل دشمن (ماده ۲۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح)
 - تحریک مردم به جنگ و کشتار یکدیگر به قصد برهم زدن امنیت (ماده ۵۱۲ تعزیرات)

۵- **دسیسه یا فریب:** مجموعه اقدامات خدعه آمیزی که مقدمه ارتکاب جرم به شمار می رود و ممکن است در مجنی علیه یا مباشر مؤثر باشد نیز مصداق دیگری از معاونت است.

مانند:

- دو نفر یا بیشتر علیه جان، مال یا ناموس دیگری در نهمان دسیسه و زمینه سازی می کنند یکی مرتکب شود و دیگری سر راه مجنی علیه دام بگذارد.

- میزبان برای آشنایی زن و مردی میهمانی ترتیب دهد تا آشنا شوند برای زنا ← میزبان معاون است.
- اشیای نوساخته که قرار است به عنوان عتیقه به فروش برسد، کسی که اشیا را برای فریب مشتری تغییر دهد معاون است.

- کسی دیگری را امیدوار کند که اگر مرتکب شد او را از مجازات رها کند و این فریب او را به ارتکاب جرم مصمم نماید، رفتار فریبکارانه، معاونت در جرم است.

نکته: اگر اقدام خدعه آمیز معاون موجب اشتباه مباشر شود در حالی که در ارتکاب عمل قاصد نبوده، از اتهام میرا است. کسی شرتی زهرآلود را به عنوان دارو به بیمار بدهد و بیمار بمیرد، اتهامی متوجه مباشر نیست وقتی دارو را پزشک تجویز نموده است، چون پزشک سبب است و اقوا از مباشر است.

فریب و اغوا به عنوان جرم خاص

۱- هر کس با خدعه و نیرنگ هواپیمایی آماده یا در حال پرواز را در اختیار بگیرد یا با خدعه و نیرنگ در فرودگاهها یا تأسیسات آن ایستگاههای ناوبری هوایی اخلاص کند یا به این وسیله انجام وظیفه مأموران مسئول حفظ ایمنی پرواز را دشوار یا غیرممکن سازد (بند ۱ و ۳ ماده واحده قانونی مجازات اخلاص کنندگان در امنیت پرواز...)

۲- اغوای مردم برای به هم زدن امنیت به جنگ و کشتار با یکدیگر (ماده ۵۱۲ تعزیرات)

اغوای مردم به الحاق به دشمنان یا محاربان و مفسدان (بند ج ماده ۲۱ مجازات جرایم نیروی های مسلح)

۶- **سوءاستفاده از قدرت:** بهره گیری ناروا از مقام و موقعیت اجتماعی به واسطه شغل و سمت دولتی که محصول روابط خاص مانند رابطه پدر فرزندی است در واقع نوعی نفوذ معنوی است که مجرم به دلیل آسیب پذیری ارادتمندی یا وظیفه شناسی مرتکب جرم شود.

مانند توصیه استادکار به کارگر برای شهادت دروغ در دادگاه ← و کارگر شهادت دروغ بدهد ← استاد کار معاون است سوء استفاده از قدرت به عنوان جرم خاص ← مأمور دولتی با سوءاستفاده از مقام خود از اجرای قانون یا اجرای حکم مقام قضایی جلوگیری می کند مانند رئیس زندان از ورود خانواده زندانی برای ملاقات جلوگیری می کند. (ماده ۵۷۶ ق.م.ا)

۷- **ساختن وسایل ارتکاب جرم:** کسی که با آگاهی از کاربرد وسیله‌ای که برای ارتکاب جرم ساخته و پرداخته است به مباشر کمک کند. ساختن کلید و هر نوع ابزاری برای ارتکاب جرم طبق ماده ۶۶۴ ق.م.ا جرم مستقلی است و ممکن استفاده نشود وحدت قصدسازنده و مباشر برای معاونت لازم است. ساختن وسایل ارتکاب جرم دو حالت دارد:

- اگر جرم اصلی رخ ندهد باز هم ساختن وسایل ارتکاب جرم، جرم مستقل است.

- اگر جرم اصلی رخ دهد تعدد معنوی معاونت و ماده ۶۶۴

۸- **تهیه وسایل ارتکاب جرم:** تهیه وسیله یعنی هر نوع ابزارو آلات نظیر اسلحه، سم، طناب و مکان که برای ارتکاب جرم ساخته و مهیا شده است. علم و اطلاع معاون به اینکه وسایل مذکور برای ارتکاب جرم است، شرط است. و باید مباشر از وسایل معاون، استفاده کرده باشد ← خواه آن وسیله در ارتکاب جرم مؤثر باشد یا نه.

مانند:

- اگر برای شکار بدهد و برای قتل استفاده شود، معاون نیست چون علم معاون شرط است.

- تفنگ باید برای جرم به کار برود، برای قتل بدهد اما او با طناب، سرقت را انجام دهد. معاونت رخ نداده چون وسیله به کار نرفته است و جرمی که مورد نظر نبوده، رخ داده است تفنگ بدهد و با چاقو قتل را انجام دهد معاون نیست مگر اینکه تفنگ او را تحریک به قتل کرده باشد

کسی تفنگ خود را به دیگری بدهد و او مرتکب قتل شود

وحدت قصد و توافق ارادی مباشر و معاون در استفاده از وسیله شرط است.

تهیه وسیله جرم به عنوان جرم مستقل: «هر کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم (حبس و بازداشت غیرقانونی) مکانی تهیه کرده و به این طریق معاونت نموده...» ماده ۵۸۴.

۹- **ارائه طریق ارتکاب جرم:** شخصی با علم به قصد مجرمانه دیگری، راه ارتکاب جرم را با راهنمایی، آموزش، دلالت و به هر نحو ممکن به دیگری نشان دهد.

۲ نکته:

۱- اگر بدون آگاهی از وقوع جرم، اطلاعات بدهد و جرمی رخ دهد ← معاون نیست

۲- فقط راهنمایی، آموزش و دلالت نیست، حتی آگاهی دادن به اینکه شیوه او در ارتکاب نارسا و دشوار است نیز معاونت است.

گاهی ارائه طریق، جرم مستقل است: دلالت زن حامله به استعمال ادویه با وسایل دیگری که موجب سقط است. (ماده ۶۲۳ تعزیرات)

۱۰- تسهیل وقوع جرم: رفتاری که وقوع جرم را خواه با تأثیر بر ارتکاب، خواه با برداشتن موانع آن ممکن می‌کند. تسهیل به دو شرط، معاونت است:

۱- با علم و اطلاع باشد.
۲- اعمال تسهیل کننده با وقوع جرم رابطه مستقیم داشته باشد. (ارتباط عرفی بین رفتار معاون و جرم)

تسهیل، معاونت است

پس افعالی که غیرمستقیم و حلقه های بعید علل جرم باشد، معاونت نیست. مانند داروی آرام بخش دادن به مجرم تا تشویش او در ارتکاب کاهش پیدا کند، تأثیر دور بر وقوع جرم دارد.

نکته: تسهیل با کمک و دستکاری هم ممکن است مانند یکی گلولی مجنی علیه را بگیرد و دیگری به پیشانی او شلیک کند یا کسی روی سینه مجنی علیه بنشیند و دیگری او را با کارت بکشد.

عمل شخص اول معاونت است

- مساعدت مأمور مراقبت و حفظ در فرار زندانی (ماده ۵۴۹ تعزیرات)
- مساعدت اشخاص برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت (ماده ۵۵۴ تعزیرات)
- تسهیل فرار نظامیان (ماده ۲۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح)

گاهی مساعدت، جرم خاص است

برای تحقق معاونت ۳ شرط لازم است:

۱- فعل معاونت به انجام رسیده باشد.

۲- فعل معاونت ایجابی باشد.

۳- فعل معاونت پیش از جرم اصلی یا همزمان با آن ارتکاب یابد.

۱- **فعل معاونت به انجام رسیده باشد:** اگر اقدامات معاون به هردلیلی در مرحله اجرا متوقف شود، مجازات ندارد ← معاونت هنگامی است که مباشر جرم را شروع کرده باشد.

←
- معاونت در شروع به جرم مجازات دارد.
- شروع به معاونت مجازات ندارد.

مگر آنکه شروع به معاونت، جرم مستقل باشد مانند اینکه برای تسهیل سرقت قفل را بشکنند در اثنای شکستن دستگیر شود، محکوم به جرم تخریب است.

۲- **فعل معاونت ایجابی باشد:** تهدید، تطمیع، ساخت و تهیه وسایل ارتکاب جرم فقط به صورت رفتار ایجابی و مثبت قابل تصور هستند و با ترک فعل محقق نمی‌شود.

نکته: درباره سکوت و خویشتنداری در برابر ارتکاب جرم تنها زمانی می‌توان کسی که با سکوت و عدم تحرک مانع وقوع جرم نشده را مجازات کرد که مکلف به جلوگیری از وقوع جرم باشد. در نتیجه:

- سکوت مأمور نیروی انتظامی در برابر سرقت مأمور دیگر در مقابل او، معاونت در جرم سرقت نیست جرم مستقل است.

- سکوت شخص در برابر ارتکاب قتل در حالیکه امکان جلوگیری داشته ← معاونت نیست و مجازات ندارد.

- یکی از دو همکار اختلاس کند و دیگری سکوت کند و گزارش ندهد ← عمل او معاونت نیست.

چون معاونت، وحدت قصد و تبانی با مجرم اصلی را لازم دارد و از امور وجودی است.

- سکوت نگهبان در برابر سرقت اموال شرکت و عدم اقدام او، معاونت اگر وظیفه حفظ و حراست اموال را داشته باشد. کسی که زن باردار را برای سقط نزد پزشک همراهی می کند ← معاونت است و ارتباط معنوی با جرم دارد.

۳- **فعل معاونت پیش از جرم اصلی یا همزمان با آن ارتکاب یابد:** اعمال پس از وقوع جرم مانند اخفای آثار و ادله جرم، مخفی کردن تبهکاران و به طور کلی مساعدت‌های پس از وقوع جرم معاونت به شمار نمی‌آید.

پس راننده ای که در بارگیری و حمل لوازم منزل به دزدان کمک می‌کند به شرط توافق پیشین، معاونت است اما اگر پس از ارتکاب جرم حتی با علم راننده به مسروقه بودن اموال همکاری کند، کمک او معاونت نیست یا پس از سرقت، سارق را فراری دهد. گاهی کمک پس از ارتکاب، جرم مستقل است مانند:

- اختفای مال مسروقه (ماده ۶۶۲ تعزیرات)

- مخفی کردن تبهکاران (ماده ۵۵۳ تعزیرات)

- اخفای ادله جرم مواد مخدر (ماده ۲۳ مواد مخدر)

نکته: اگر قانون‌گذار اطلاع دادن به مقامات ذی صلاح نسبت به کسانی که از جرایم در شرف وقوع مطلع هستند را تکلیف دانسته باشد، ترک این تکلیف نوعی تسهیل در وقوع جرم و معاونت است (مانند برخی جرایم قانون مجازات اخلاص کنندگان در امنیت پرواز و ...) کسانی که از تهیه و تدارک آلات و اسباب جرم یا مقدمات ارتکاب جرایم مندرج در این قانون مطلع شده و جریان را به مقامات ذی صلاح اعلام ننمایند مجازات معاون محکوم خواهند شد.

نکته: معاونت فعل مثبت است اما معاونت در جرایم ترک فعل محقق می‌شود، مانند تشویق زوج به ترک انفاق، معاونت در ترک انفاق است.

۲- **عنصر روانی معاونت در جرم:** یعنی آگاه بودن معاون به کمک و دستیاری آزادانه خود با مرتکب جرم است. پس:

- اگر معاون نداند، دیگری قصد ارتکاب جرم دارد یا وسیله ای که می‌سازد برای ارتکاب جرم خواهد بود یا پولی که به عنوان قرض الحسنه می‌دهد و قصد تطمیع ندارد ← افعال او معاونت نیست.

مجازات معاونت در جنایات:

در جنایت	- بر نفس - اگر مباشر قصاص نشود	- اگر مباشر قصاص شود ← مجازات معاون حبس تعزیری درجه ۲ یا ۳
		- معاون طبق بند ت ماده ۱۲۷ ← ۱ تا ۲ درجه کمتر از تعزیر فاعل اصلی حبس درجه ۵ یا ۶
	- بر عضو و منفعت - اگر مباشر قصاص نشود	- اگر مباشر قصاص شود ← معاون طبق بند ب ماده ۱۲۷ حبس تعزیری درجه ۵ یا ۶
		- مباشر طبق ماده ۶۱۴ تعزیر می شود (۲ تا ۵ سال) درجه ۵ - معاون طبق بند ت ← ۱ تا ۲ درجه پایین تر از تعزیر فاعل اصلی حبس درجه ۶ یا ۷

استفاده از نابالغ در جرم یا معاونت به این صورت است که:

نکته: کسی که از نابالغ به - نابالغ غیرممیز باشد.

عنوان وسیله استفاده کند: - نابالغ ممیز اما به دلایلی مانند اکراه یا جهل در حکم وسیله باشد.

نابالغ غیرممیز همیشه وسیله است و جرم مستند به آمر و به حداکثر مجازات محکوم می شود و نابالغ مسئولیت کیفری ندارد.

ممیز همیشه وسیله نیست و اصل آن است که وسیله نیست مگر اینکه در اثر دلایلی مانند جهل و اکراه در حکم وسیله باشد.

در چنین مواردی مجازات به این صورت است:

←	- مرتکب به حداکثر مجازات قانونی جرم ارتكابی توسط نابالغ غیرممیز محکوم می شود.	- مباشر نابالغ - بالغ سبب اقوی از مباشر است.
	- اگر فردی در رفتار نابالغ ممیز معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در جرم محکوم می شود	- ممیز ← مباشر مسئولیت کیفری ندارد. - اقدامات تأمینی امکان دارد.

نکته: اگر سرقت حدی توسط صغیر ممیز رخ دهد و او مال را از حرز خارج کند ← آمر به مجازات سرقت تعزیری محکوم می شود نه حداکثر معاونت در سرقت (طبق ماده ۲۷۲)

استفاده از نابالغ از اسباب خاص و شخصی تشدید مجازات است و استفاده از مجنون نیز در حکم وسیله است.

سیستم‌های مجازات معاونت:

۱- مجرمیت عاریه‌ای (استعاره‌ای): وقتی جرم بودن عمل معاون از مرتکب اصلی عاریه گرفته شده، معاون به معاونت در همان جرم محکوم می‌شود. مانند مباشر، مرتکب سرقت شود، معاون در سرقت است. مرتکب، شروع به سرقت کند، معاون در شروع به سرقت است.

مجرمیت عاریه‌ای] - نسبی ← مجازات معاون از مباشر کمتر است ← ماده ۱۲۷
- مطلق ← مجازات معاون و مباشر یکسان است ← معاونت در افساد فی الارض ماده (۲۸۶)

۲- مجرمیت تلفیقی: مرتکب اصلی، جرمی شدیدتر از مقصود اولیه معاون، انجام دهد، مباشر به جرم شدیدتر و معاون به معاونت در جرم خفیف تر که مقصود اولیه بوده محکوم می‌شود. اگر خفیف‌تر از آنچه مقصود بوده، رخ دهد، معاون به معاونت در همین جرم محکوم می‌شود. اگر جرمی متفاوت با جرم مورد نظر معاون رخ دهد، معاونت محقق نمی‌شود مثلاً خودرو را بدهد برای قاچاق اما شخص مرتکب قتل عمد شود.

۳- معاونت به عنوان جرم مستقل: وقتی ماهیت رفتار ارتكابی، معاونت است اما قانون‌گذار شخص را معاون جرم نمی‌داند بلکه او را مباشر محسوب کرده و جرم او را معاونت نمی‌داند و شخص، مباشر یک جرم مستقل است. مانند تحریک نیروهای رزمنده (ماده ۵۰۴)

چند نکته:

- ۱- اگر تأثیر مداخله معاونی در حصول جرم ضعیف باشد، دادگاه می‌تواند در جرایم تعزیری مجازات او را به تناسب تأثیر عمل او تخفیف دهد. (بند ح ماده ۳۸ ق.م.ا.)
- ۲- قطع مرور زمان مطلق و نوعی است و نسبت به همه شرکا و معاونان اعم از آنکه تعقیب شده با نشده باشند، اعمال می‌شود، هر چند تعقیب فقط درباره یکی از آنها شروع شده باشد و شروع به اجرای حکم یکی از شرکا یا معاونان، قاطع مرور زمان دیگر محکومین است.
- ۳- اگر اکراه‌کننده بر قتل فاقد شرایط عمومی قصاص باشد و به حبس ابد محکوم نشود، به مجازات معاون در قتل محکوم می‌شود. مثلاً پدر یا جد پدری باشد.
- ۴- اگر در قتل عمد به دلیل فرار یا مرگ به مرتکب اصلی دسترسی نباشد، این امر تأثیری در مجازات معاون ندارد.

نکات مهم در معاونت:

۱- اعمالی که پس از وقوع جرم در جهت کمک به مجرم برای فرار یا برای اختفای آلات جرم انجام می شود را نمی توان معاونت دانست ← هر چند این اعمال جرم خاص باشد.

مانند ماده ۵۵۴ تعزیرات: مخفی کردن ادله جرم یا تبرئه مجرم یا ادله جعلی

۲- وحدت قصد و تبانی با مجرم اصلی لازم است و از امور وجودی است.
- متهم شاهد نزاع توسط دوستان بوده و قصد داشته هر وقت کمکی لازم است به دیگری ملحق شود اما آشکارا حرکتی نکند و فقط تماشاچی باشد ← معاون نیست.

مانند
- متهمین در یک پادگان شاهد تجاوز دسته جمعی بودند ← صرف حضور حتی اگر عملاً موجب تشویق متجاوزین شود، معاون نیست.

در معاونت

۳- علم و اطلاع معاون از ماهیت جرم مورد نظر مباشر لازم است.
- آگاهی معاون از جزئیات جرم مورد نظر مباشر مانند زمان یا مکان یا هویت قربانی لازم نیست.

مانند
- کسی دیگری را تشویق می کند که ثالث را روز شنبه مسموم کند و بکشد اما مجرم جلوی خانه به ضرب گلوله می کشد.
- کسی دیگری را تشویق می کند که جیب دیگری را بزند اما او از خانه او چند تخته قالی ببرد.
- اسلحه برای قتل بدهد ← آگاهی از مکان و زمان و هویت مقتول مهم نیست.

معاون است.

چند حکم به نابالغ اختصاص دارد که عبارتند از:

۱- هر بالغ که از نابالغ غیرممیز به عنوان وسیله جرم استفاده کند به حداکثر مجازات قانونی آن جرم محکوم می شود.
۲- هر کس در رفتار مجرمانه نابالغ معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت آن جرم محکوم می شود.

۱- در ارتکاب جرم بالغ توسط نابالغ (ماده ۱۲۸)

۱- جنایت نابالغ خطای محض است و عاقله دیه را می دهد.

۲- اگر در بلوغ مرتکب هنگام جنایت شک باشد و ولی دم یا مجنی علیه ادعا کند در حال بلوغ بوده و مرتکب، خلاف آن را ادعا کند اصل بر عدم بلوغ است و ولی دم یا مجنی علیه باید بینه بیاورند و گرنه قصاص منتفی است. (ماده ۳۰۸ ق.م.ا)

۲- جنایات ارتكابی توسط نابالغ یا علیه نابالغ

۳- بالغی نسبت به نابالغ مرتکب جنایت عمدی شود، قصاص می شود. (ماده ۳۰۴)

- کسی مال را توسط طفل غیرممیز از حرز خارج کند، شخص استفاده کننده مباشر محسوب می شود و با شرایط به حد سرقت محکوم می شود.

۳- ارتكاب سرقت حدی توسط نابالغ (ماده ۲۷۲ ق.م.ا)

- اخراج مال از حرز توسط طفل ممیز باشد رفتار آمر حسب مورد مشمول سرقت تعزیری است.

۴- شهادت نابالغ: شاهد هنگام ادای شهادت باید بالغ باشد اما زمان تحمل اگر نابالغ ممیز باشد می تواند هنگام بلوغ شهادت بدهد. (ماده ۱۷۹ ق.م.ا)

۵- استفاده از صغار برای جرائم سمعی و بصری (ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاص که در امور سمعی و بصری فعالیتهای غیرمجاز می نمایند) یعنی استفاده از صغار برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر نوارها و لوحهای فشرده غیرمجاز (مانند مستهجن) و موجب حداکثر مجازات برای عامل است.

- مکره غیر ممیز باشد از مسئولیت میرا و اکراه کننده قصاص می شود.
- مکره ممیز باشد، عاقله دیه می دهند و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می شود.

۶- اکراه صغیر به ارتكاب قتل

۲- جنون: (علل تام رافع مسئولیت کیفری): (ج ۲، ص ۱۶۳-۱۵۳)

ماده ۱۴۹: «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد مجنون محسوب می شود

و مسئولیت کیفری ندارد.»

ماده ۱۵۰: «هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه تا رفع حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی محل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می شود. شخص نگهداری شده یا خویشاوندان او می توانند در دادگاه به این دستور اعتراض کنند که در این صورت، دادگاه با حضور معترض، موضوع را با جلب نظر کارشناس در جلسه اداری رسیدگی می کند و با تشخیص رفع حالت خطرناک در مورد خاتمه اقدام تأمینی و در غیر اینصورت در تأیید دستور دادستان، حکم صادر می کند. این حکم قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا خویشاوندان وی، هرگاه علائم بهبودی را مشاهده کردند بنا به تشخیص متخصص بیماریهای روانی مرتکب، درمان شده باشد برحسب پیشنهاد مدیر محل نگهداری او دادستان دستور خاتمه اقدام تأمینی را صادر کند.»

تبصره ۱: هرگاه مرتکب یکی از جرایم موجب حد پس از صدور حکم قطعی دچار جنون شود حد ساقط نمی شود. در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبه حق الهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می افتد. نسبت به مجازاتهایی که جنبه حق الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست.

تبصره ۲: قوه قضائیه موظف است مراکز اقدام تأمینی و تربیتی را در هر حوزه قضایی برای نگهداری افراد موضوع این ماده تدارک ببیند. تا زمان شروع به کار این اماکن، قسمتی از مراکز روان درمانی بهزیستی یا بیمارستانی موجود به این افراد اختصاص داده می شود.

جنون یعنی اختلال روانی به گونه ای که باعث
 - فقدان اراده
 - یا فقدان قوه تمیز (ادراک)

شود و باید توسط دادگاه احراز شود.

جنون در حقوق کیفری آثاری دارد که عبارتند از:

- جنون اگر اختیار را سلب و مانع استناد جرم شود ← رافع مسئولیت کیفری است اما مسئولیت مدنی مجنون پا برجا است.

- فقط از مجنون رفع مسئولیت می کند زیرا از اسباب شخصی مانع مسئولیت کیفری است ← مسئولیت شرکا و معاونین باقی است.

- طبق ماده ۹۵ ق.آ.د.ک: جنون یکی از موارد موقوفی تعقیب است و وقتی تعقیب متوقف شود اگر جنون باقی باشد به دستور دادستان در محل مناسب نگهداری می شود. (ماده ۱۵۰)

- اگر بزهکار مجنون مرتکب جنایتی شده باشد چون عمد و شبه عمد دیوانه به منزله خطای محض است، عاقله دیه می دهد اما ضامن کمتر از جنایت موضعه نیست.

آثار جنون

مدت نگهداری مجنون در مکان مناسب در قانون پیش‌بینی نشده است، در نتیجه:

در مدت نگهداری مجنون هرگاه نشانه‌های بهبود مشاهده شد شخص نگهداری شده یا خویشان او حق اعتراض به دستور دادستان را دارند. دادگاه صالح به رسیدگی به اصل جرم با حضور معترض و دادستان یا نماینده او موضوع را با جلب نظر متخصص در جلسه اداری خارج از نوبت رسیدگی و درباره آزادی یا تأیید دادستان حکم صادر می‌کند.

جنون به عنوان علت تام رافع مسئولیت کیفری دو شرط دارد:

شروط جنون]
۱- تقارن جنون با جرم
۲- تلازم جنون با جرم

۱- **تقارن جنون با جرم:** مرتکب باید هنگام ارتکاب جرم، مجنون باشد ولو جنون ادواری

جنون در سه زمان، قابل تصور است:

۱- **جنون حین ارتکاب جرم:**

جنون مسئولیت کیفری ندارد و قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود. اگر آزادی او محل نظم و امنیت باشد و حالت خطرناک او ثابت باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در جای مناسب نگهداری می‌شود. احراز جنون حین ارتکاب جرم:

در دادسرا: بازپرس با تحقیق از نزدیکان و سایر مطلعان و نظریه پزشکی قانونی با احراز جنون با صدور قرار موقوفی تعقیب به نزد دادستان می‌فرستد و با استمرار جنون و دستور دادستان به مراکز مخصوص سازمان بهزیستی می‌فرستد. (ماده ۲۰۲.ا.د.ک)

در دادگاه: دادگاه تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان و نظریه پزشکی قانونی با احراز جنون، صدور قرار موقوفی تعقیب نموده و با رعایت اقدامات تأمینی برای متهم تصمیم می‌گیرد. (ماده ۳۷۰.ا.د.ک)

فصل چهارم: سوگند

ماده ۲۰۱: «سوگند عبارت از گواه قرار دادن خداوند بر درستی گفتار ادا کننده سوگند است.»

آثار و شرایط سوگند به شکل زیر است:

۱- ماده ۲۰۲: «ادا کننده سوگند باید عاقل، بالغ، قاصد و مختار باشد.»

۲- ماده ۲۰۳: «سوگند باید مطابق قرار دادگاه و با لفظ جلاله والله، تالله یا نام خداوند متعال به سایر زبان ها ادا شود و در صورت نیاز به تغلیظ و قبول ادا کننده سوگند، دادگاه کیفیت ادای آن را از حیث زمان، مکان، الفاظ و مانند آنها تعیین می کند. در هر صورت، بین مسلمان و غیرمسلمان در ادای سوگند به نام خداوند متعال تفاوتی وجود ندارد.»

← مسلمان و غیرمسلمان هر دو باید به نام خداوند متعال سوگند بخورند، به هر زبانی

← مشروط به اینکه سوگند خورنده، تغلیظ را قبول کند.	- سوگند در مکان یا زمان مقدس - یا تغلیظ زبانی مانند سوگند به خداوند خالق بزرگ	در تغلیظ سوگند مانند
---	--	----------------------

۳- ماده ۲۰۴: «سوگند باید مطابق با ادعا، صریح در مقصود و بدون هر گونه ابهام باشد و از روی قطع و یقین ادا شود.»

در سوگند

۴- ماده ۲۰۵: «سوگند باید با لفظ باشد و در صورت تعذر، با نوشتن یا اشاره ای که روشن در مقصود باشد، ادا شود. ← سوگند فقط باید با لفظ باشد مگر اینکه لفظ برای او دشوار باشد که با اشاره یا نوشتن ادا میشود.»

۵- ماده ۲۰۶: «در مواردی که اشاره، مفهوم نباشد یا قاضی به زبان شخصی که سوگند یاد می کند، آشنا نباشد و یا ادا کننده سوگند قادر به تکلم نباشد، دادگاه به وسیله مترجم یا متخصص امر، مراد وی را کشف می کند.»

۶- ماده ۲۰۷: «سوگند فقط نسبت به طرفین دعوی و قائم مقام آن ها مؤثر است.»

مانند دو نفر مدعی چیزی هستند اگر شخصی اول قسم بخورد سوگند او نسبت به او و وارث او مؤثر است و نسبت به طرف دوم تأثیری ندارد مانند جنایت شبه عمدی نسبت به دو نفر رخ داده و یک شاهد دارند ← یکی از آن دو قسم بخورد فقط دیه برای او ثابت است.

۷- ماده ۲۰۸: «حدود و تعزیرات با سوگند نفی یا اثبات نمی شود لکن قصاص، دیه، ارش و ضرر و زیان ناشی از جرایم، مطابق مقررات این قانون با سوگند ثابت می گردد.»

قلمرو اثبات سوگند
- در حدود و تعزیرات با سوگند چیزی نفی یا اثبات نمی شود.
- قصاص، دیه و ارش و ضرر و زیان ناشی از جرم، با سوگند قابل نفی و اثبات هستند.

۸- ماده ۲۰۹: «هرگاه در دعاوی مالی مانند دیه جنایات و همچنین دعاوی که مقصود از آن مال است مانند جنایت خطائی و شبه عمدی موجب دیه برای مدعی خصوصی امکان اقامه بینه شرعی نباشد وی می تواند با معرفی یک شاهد مرد یا دو شاهد زن به ضمیمه یک سوگند، ادعای خود را فقط از جنبه مالی اثبات کند.»

تبصره: «در موارد مذکور در این ماده، ابتدا شاهد واجد شرایط، شهادت می دهد و سپس سوگند توسط مدعی ادا می شود.»

در دعاوی مالی
- ۱ شاهد مرد و قسم مدعی
- ۲ شاهد زن و قسم مدعی
← اثبات جنبه مالی

در جنایت شبه عمدی که موجب دیه و تعزیر است با شهادت و سوگند
- فقط جنبه مالی یعنی دیه ثابت می شود.
- اما تعزیر ثابت نمی شود.

دعاوی مالی در جنایات
- آنچه موجب دیه است (جنایت شبه عمد و خطا)
- یا جنایت عمدی که فقط دیه دارد (مانند هاشمه شکستن استخوان) که قصاص امکان ندارد)

- امکان جایگزینی ۱ شاهد و قسم یا ۲ شاهد زن و قسم دارد
- اما در جنایات عمدی که موجب قصاص هستند فقط ۲ شاهد مرد، اثبات کننده است یا قسامه

۹- ماده ۲۱۰: «هرگاه ثابت شود سوگند، دروغ و یا اداکننده سوگند فاقد شرایط قانونی بوده است به سوگند مزبور ترتیب اثر داده نمی شود.»

← اصل بر صحت سوگند است و دروغ بودن سوگند باید اثبات شود.

ادامه در سوگند

در اجرای سوگند به شکل زیر عمل می‌شود:

- ۱۰- در مواردی که مطابق قانون فصل خصومت یا اثبات دعوی با سوگند محقق می‌شود سوگند به درخواست اصحاب دعوی طبق قرار نزد قاضی به عمل آید.
- هر یک از اصحاب دعوا می‌توانند از حق سوگند استفاده کنند،
- در حق الناس، سوگند متهم منوط به مطالبه صاحب حق است،
- و دادگاه بدون مطالبه او حق سوگند ندارد.

- ۱۱- در قراردادگاه باید] - موضوع سوگند
 - شخصی که باید سوگند یاد کند تعیین شود.
- صورت مجلس ادای سوگند به امضای قاضی و طرفین دعوا می‌رسد.